

چهار سـخنران دربارهٔ مارکسیسم

یـال ام سـویـزی
مـترجم: یـوسف نـوری زاده



فهرست

- پیش‌گفتار ۵
- فصل اول: دیالکتیک و متافیزیک ۷
- فصل دوم: تضادهای سرمایه‌داری ۳۶
- پیوست اول: قانون گرایش به افت میزان سود ۷۲
- پیوست دوم: رقابت و انحصار ۸۸
- فصل سوم: کشورهای مرکزی، پیرامونی، و بحران سیستم ۱۱۷
- فصل چهارم: مارکسیسم و آینده ۱۴۲

فصل اول

دیالکتیک و متافیزیک

موضوع از پیش تعیین شده این سخنرانی "مارکسیسم امروزه" است، و من می‌خواهم در ابتدا توضیح بدهم که این عبارت برای من چه معنایی داشته و همچنین چه معنایی ندارد.

قصد آن ندارم به ارزیابی، چه بسا کمتر از آن، انتقاد از مکاتب و گرایش‌های گوناگون که خود را متفکر و/یا اخلاف سیاسی بنیان‌گذاران مارکسیسم، یعنی خود "کارل مارکس" و "فردریک انگلس"، به حساب می‌آورند، دست بزنم. (شاید بد نباشد اضافه کنم که از نظر من تفاوت بین مارکس و انگلس بیشتر به خاطر تأکید و نحوه بیان آنهاست و از این رو ارتباطی به آن نوع از بحث مارکسیسم که من ارائه می‌دهم ندارد: هر جا که در حد بسیار محدود نیاز به نقل قول از یک متن احساس کنم، بسته به مناسبت موضوع مطرحه به نوشته‌های هر کدام از آنها متوسل خواهم شد.)

کاری را که می‌خواهم اینجا انجام بدهم شاید اگر با چند مطلب مربوط به زندگی‌نامهٔ شخصی همراه باشد روشن‌تر عمل کند. من در اواخر دههٔ بیست به عنوان یک دانشجو علی‌العموم به علوم اجتماعی و علی‌الخصوص به اقتصاد رو آوردم. آن روزها هاروارد یکی از ممتازترین دپارتمان‌های اقتصادی امریکای شمالی را داشت. از چپ به راست شامل نهادگرایانی^۱ مثل ویلیام زد ریپلی^۲، مارشالی‌هایی^۳ مثل فرانک دبلیو تاسیگ^۴، و محافظه‌کاران دوآتشه‌ای مثل توماس نیکسون کارور^۵ و چارلز جی بالاک^۶ می‌شد. البته که در میان هیأت علمی هاروارد هیچ مارکسیستی وجود نداشت، و اگر در گروه دانشجویان کسی بود، من کسی را نمی‌شناختم. یادم نمی‌آید اسم مارکس، چه برسد به عقاید او، در هیچ‌کدام از واحدهایی که در دورهٔ لیسانس برمی‌داشتم به زبان کسی آمده باشد. وقتی که در سال ۱۹۳۲ کمبریج را به مدت یک سال برای تحصیلات کارشناسی ارشد در مدرسهٔ اقتصادی لندن ترک کردم، در معرض چیزی رادیکال‌تر از کتاب تورستین ویبلن^۷، **تئوری طبقهٔ مرفه**^۸، قرار

1. Institutionalists

2. William Z. Ripley

3. Marshallians

4. Frank W. Taussig

5. Thomas Nikson Carver

6. Charles J. Bullock

7. Thorstein Veblen

8. Theory of the Leisure Class

نگرفته بودم؛ این اثر معروف‌ترین کتاب او بود اما از رادیکال‌ترین اثر او خیلی فاصله داشت.

سال ۱۹۳۲-۱۹۳۳ نشان داد که در تاریخ قرن بیستم یک نقطه عطف است. پیش‌درآمد جنگ جهانی دوم، اگر نه خود اولین پرده، در حمله ژاپن به جایی که آن روزها منچوریا^۱ خوانده می‌شد نهفته بود. "رکود بزرگ"^۲ در اروپای غربی و امریکای شمالی به سخت‌ترین درجه خود رسید، و به دو تجربه همزمان در اصلاحات کاپیتالیستی دامن زد: به "اقدام اساسی"^۳ لیبرال در ایالات متحده و به دیکتاتور فاشیست و جنگ‌مدار هیتلر در آلمان. اولین برنامه پنج ساله شوروی، که چند سال قبل شروع شده بود، ناگهان برای دنیایی بحران‌زده همچون یک نشانه امید ظاهر شد؛ یک راه برون‌رفت برای بشریت مبتلا به مصیبت مدرن فقر و فلاکت در دنیای مملو از نعمات و فراوانی.

هیچ‌چیز در جریان آنچه قاعدتاً در بهترین دوره تعلیم و تربیت موجود در ایالات متحده فراگرفته بودم من را برای پذیرش، چه بسا فهم، هیچ‌کدام از این وقایع سرنوشت‌ساز آماده نکرده بود. شرایط روحی من وقتی که در پاییز ۱۹۳۲ به لندن رسیدم حاکی از حیرت و سردرگمی به موازات آزرده‌گی از بی‌ارتباطی چیزی بود که در چهار

1. Manchuria

2. The Great Depression

3. New Deal